



رویکرد مشارکتی و اجتماعی محور در ایجاد فضاهای امن شهری

الهام ضابطیان

کارشناس ارشد شهرسازی از دانشگاه تربیت مدرس

زهرا خدائی

کارشناس ارشد شهرسازی از دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده و مسئول مکاتبات)

چکیده

امنیت یک حق اولیه و ضروری برای زندگی همه افراد اجتماع و شهروندان است، و البته در بیان مفهوم امنیت باید به دو بعد ذهنی و عینی آن توجه کرد. این دو بعد کاملاً بر یکدیگر تاثیرگذار بوده و نمی‌توانند به‌طور مجزا بررسی شوند. در واقع مفهوم "امنیت" و درک آن در همه ابعاد (فیزیکی، اجتماعی، روانی و ...) مشکل است و بنابراین ترقی دادن آن هم مشکل خواهد بود.

هم‌چنین روشن است که نیروی انتظامی و تعدد پلیس و نگهبان برای یک فضا به تنهایی نمی‌تواند ضامن تأمین امنیت شهر باشد و البته یک طرح شهرسازی نیز به‌تنهایی نمی‌تواند امنیت را در کالبد شهر تزریق کند و هم‌چنین روشن است که پیشگیری از جرم از هر طریقی که باشد و برقراری امنیت بسیار راحت‌تر و با صرفه‌تر از بر خورد با جرم خواهد بود. اما با مداخلات فیزیکی و اجتماعی به صورت موازی می‌توان جو و محیط عمومی فضاهای شهری را تحت تأثیر قرار داد و میزان احساس امنیت شهروندان و درک آن‌ها از محیط پیرامونشان را تغییر داد و حضور آنان را در شهر بالفعل گردانید. اما یکی از عوامل محرکه این اقدام خود شهروندان به عنوان روح حاکم بر شهر می‌باشند. آنان بهتر از همه بر معضلات ناامنی در محیط خود واقف هستند و در صورت مشارکت فعال با برنامه‌ریزان شهری می‌توانند محیطی امن برای خود و خانواده‌شان فراهم آورند.

واژگان کلیدی

امنیت، فضاهای شهری، ارتقاء امنیت، مشارکت

مقدمه

امنیت فرآیند بسیار پیچیده‌ای است و ارتقای آن نیز نیازمند تدابیر بسیار خواهد بود. و اما در یک فضای عمومی شهری، با اعتقاد به این مسأله که شهر موجودی زنده است و البته روح حاکم بر آن همان شهروندان استفاده کننده از فضاهای شهری هستند، لذا با استفاده از مشارکت خود شهروندان، برقراری امنیت در فضاهای شهری مسلماً بسیار مؤثرتر و اقتصادی‌تر خواهد بود. این مسأله سابقاً در نظریات جین جیکوب (نظریه پرداز بزرگ شهرسازی) در قالب "چشم‌های خیابان" مطرح گردیده است.

و اما رواج چنین مشارکتی برای ارتقاء امنیت فضای اجتماعی شهری، چندان ساده نخواهد بود و به تأمل و دقت بسیاری نیاز دارد تا جمعیت عملکرد بالفعل و مثبتی ایفا نماید و فضای شهری خود عامل مشوقی برای جذب و رونق خود داشته باشد. هم‌چنین مراقبت و نظارت دائم بر فضا از حرکت جو اجتماعی فضا به سمت اعمال مجرمانه جلوگیری خواهد کرد.

در واقع با نگاهی به گسترش شهرنشینی و روند توسعه شهری، می‌توان دریافت که برقراری امنیت در ساختار شهری و برخورداری شهروندان از احساس امنیت در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و محیطی اهمیتی فزاینده دارد. از آن‌جا که امنیت، مؤلفه‌ای اساسی در توسعه‌ی پایدار انسانی به شمار می‌رود، افزایش رضایت‌مندی شهروندی و شکل‌گیری سرمایه اجتماعی را در ساختار شهری ممکن می‌کند، بدین منظور باید علاوه بر سنجش میزان واقعی امنیت، به ارزیابی احساس امنیت از دید شهروندان نیز التفات داشت. در واقع با استفاده از فرآیند مشارکتی خود شهروندان در ارتقاء امنیت، حس مالکیت در شهروندان تقویت خواهد شد و این حس مالکیت با خود مسئولیت‌هایی در پی خواهد داشت که موجب می‌شود مشارکت شهروندان از مراحل آغازین تا به دست‌یابی به هدف، بالفعل گردد.

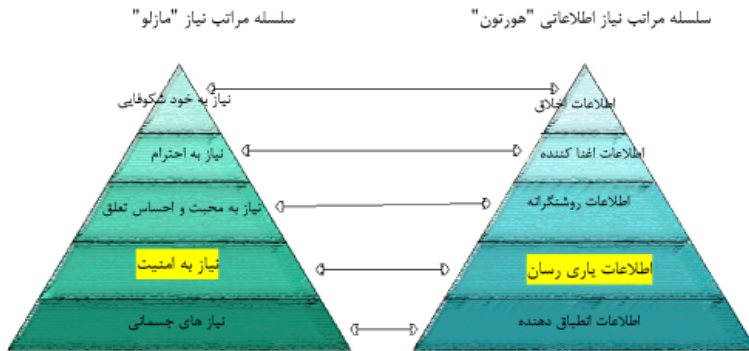
در این مطالعه صرفاً به بررسی راه‌کارهای اجتماعی محور، برای ارتقاء امنیت فضاهای شهری پرداخته شده است و البته روشن است که موفقیت کامل چنین رویکردی در صورت هم‌زمانی با رویکردهای مداخله‌ی فیزیکی برای ارتقاء امنیت از طریق طراحی‌ها، قابل حصول خواهد بود.

(۱) تعریف امنیت

براساس تئوری نیازها در هرم مازلو^۱ در ۱۹۶۸، امنیت یکی از نیازهای ضروری و وجودی انسان است، درست شبیه نیازهای فیزیولوژیک انسان و این فاکتور بر سلامت و سعادت انسان‌ها بستگی مستقیمی دارد. هم‌چنین هورتون^۲ متناسب با نیازهای مطرح شده، هرم سلسله مراتب نیازهای اطلاعاتی را تعریف می‌کند که در نمودار شماره ۱ نیازهای اطلاعاتی هورتون متناسب با هرم مازلو آورده شده است و همان‌طور که مشاهده می‌شود برای نیازهای ایمنی، اطلاعات یاری‌رسان در نظر گرفته شده است.

در واقع امنیت انسانی از مهم‌ترین مشخصه‌های رفاه اجتماعی تلقی می‌شود، به نحوی که محور اصلی توسعه پایدار در قرن حاضر را امنیت انسانی تشکیل می‌دهد که بر اساس گزارش توسعه‌ی انسانی سازمان ملل در سال‌های ۱۹۹۴ و ۱۹۹۸ میلادی، جنبه‌های امنیت شغلی، امنیت از جهت درآمد، سلامت جسمی و روانی و امنیت زیست محیطی را نیز در بر می‌گیرد.

نمودار شماره ۱ - نیازهای اطلاعاتی هورتون متناسب با هرم مازلو



مأخذ: عینی، ۱۳۸۴، ص ۴۶

اما به‌طور کلی برخی از تعاریف رایج برای واژه امنیت به شرح زیر می‌باشند:

- امنیت پیش‌نیازی برای ابقاء و ارتقای رفاه و سلامت مردم است.
 - امنیت یک حق بنیادین انسانی است .
 - امنیت حالتی است که در آن خطرات و شرایطی که منجر به صدمات فیزیکی، روانی یا جسمی می‌شوند، کنترل شده تا سلامت و رفاه اشخاص را حفظ نمایند .
 - امنیت یک منبع ضروری برای زندگی هر روزه، برآوردن نیازهای اشخاص و جوامع در راستای ارتقاء اشتیاق و آمال عمومی مردم است.
- یک ابهامی که در مورد مفهوم امنیت^۳ وجود دارد این است که عده‌ای این مفهوم را فقط به معنای جلوگیری از جرم و جنایت می‌دانند و بیشتر یک حالت عینی دارد و عده‌ای هم آن را به احساس برون از حیطه خطر بودن تعبیر می‌کنند و یا به‌عنوان احساس رضایت از نیازهای اولیه و پایه‌ای (مثل غذا، سرپناه، لباس و غیره) در نظر می‌گیرند.
- اما در واقع مفهوم "امنیت" و درک آن در همه ابعاد (فیزیکی، اجتماعی، روانی و ...) مشکل است و بنابراین ترقی دادن آن هم مشکل خواهد بود.^۴

۲) ابعاد امنیت

به طور کلی دو بعد برای امنیت وجود دارد: یکی بعد عینی^۵ آن است که با پارامترهای عینی محیطی و رفتاری ارزیابی می شود و دیگری بعد ذهنی^۶ است که بر اساس احساس امنیت از جمع درک می شود. هر دو بعد می توانند بر یکدیگر تأثیر مثبت یا منفی بگذارند. بنابراین لازم است که این دو بعد را مورد توجه قرار داده تا امنیت جمع را ارتقاء بدهیم. البته در اینجا تأکید بیشتر بر بعد ذهنی و احساس امنیت می باشد.

بعد ذهنی امنیت به احساس یک جامعه از امنیت باز می گردد و در واقع کاهش وقایع نا-مناسب لزوماً منجر به افزایش نسبی احساس امنیت نمی گردد. برای مثال ممکن است برای کاهش مشکلات موجود در یک پارک شبها درب آن را ببندیم و یا برای محافظت از زندگی شهروندان در یک واحد همسایگی در اطراف آن دیوارهایی ایجاد کنیم تا دسترسی به آن را محدود کنیم و یا از سیستم های آژیر در محل های استفاده کنیم، اما آیا می توانیم با این گونه تدابیر حس امنیت را افزایش چشم گیری دهیم؟

در واقع در چنین مواردی ما از حادثه، یا به کمک کاهش فرصت ها و یا به کمک ابزارهای حمایتی، پیش گیری کرده ایم و این بیشتر یک راه حل کوتاه مدت قابل انجام و شدنی است و مسأله امنیت با وجود چنین تلاش هایی هنوز بر جای خود باقی است. بنابراین این گونه ابزارها هیچ گونه راه حل بلندمدتی را ارائه نمی کند و یک مسکن موقتی و زود گذر است و مجرمان نیز به تدریج راه های جدیدتری پیدا خواهند کرد.

۳) ارتقاء امنیت

مفهوم "امنیت" و درک آن در همه ابعاد (فیزیکی، اجتماعی، روانی و ...) مشکل است و بنابراین ترقی دادن آن هم مشکل خواهد بود. ارتقاء امنیت در واقع نقطه پیوند عاملین از بخش های مختلف اجتماع می باشد و رویکردهای متفاوتی را به خود جذب می کند و هر گروه نیز ادبیات خاصی در درک حقیقت دارد. برای مثال به منظور ارتقاء امنیت در یک واحد همسایگی، در حوزه پلیس ممکن است از ابزارهای سرکوب کننده استفاده شود و در حوزه برنامه ریزی شهری از ابزارهای مطلوبیت محیطی تا فرصت های جرم کاهش پیدا کند و یا در حوزه فرهنگی ایجاد برنامه های پیشرو در جهت اوقات فراغت و فعالیت جوانان. و البته همه این نهادها برای رسیدن به یک هدف تلاش می کنند اما ارتباطی بین آنها وجود ندارد و این مسأله را دشوارتر می کند و حتی وقتی آنها بصورت ایزوله کار می کنند دستیابی به هدف مشترک آنها به خطر هم می افتد (گزارش سازمان بهداشت جهانی، ۱۹۹۸، ص ۲۹۹).

۳-۱) فرآیند ارتقاء امنیت

به طور کلی تغییرات رفتاری که امنیت را بهبود می دهد موجب تغییراتی در بهبود امنیت محیط می شود و بالعکس و هر دو نوع مداخله لازمند تا ارتقاء امنیت حاصل گردد.

در هر جامعه اقلماً دو نوع از فرآیند می‌تواند برای ارتقاء امنیت استفاده شود: (۱) فرآیند مبتنی بر مسأله^۷ و (۲) فرآیند مبتنی بر مجموعه^۸ و این دو فرآیند اگرچه کاملاً مجزا هستند، اما مکمل و ضروری هستند.

الف) فرآیند مبتنی بر مسأله

فرآیند مبتنی بر مسأله مبتنی بر راه‌حل‌های خاصی است که برای مشکلاتی که در یک زمان مطرح شده کاربرد دارند. مثل تصادفات مربوط به حمل و نقل و یا جرم‌های شهری و غیره، که این مسائل بر حسب اهمیت و شدت آنها در جامعه اولویت بندی می‌شوند. این فرآیند در ارتقاء امنیت بسیار ضروری است و به تعیین اهداف کمک می‌کند.

ب) فرآیند مبتنی بر مجموعه

اما فرآیند مبتنی بر سیستم، شامل همه ارزیابی‌ها از مشکلات مربوط به امنیت یک محیط خاص در راستای چشم اندازی کلی در جهت ارتقاء امنیت است و در واقع هدف حل یک مشکل خاص نیست، بلکه ایجاد یک امنیت سرتاسری با کار کردن بر روی یک‌سری از عوامل محیطی و رفتاری در جامعه است.

در این فرآیند هر کدام از محیط‌های شهری مثل خیابان، پارک، واحد همسایگی و شهرک و غیره به عنوان یک سیستم در نظر گرفته می‌شوند و هر سیستم از چندین مؤلفه (جمعیت، زیرساخت‌های تکنیکی و اقتصادی، فیزیکی و محیطی و غیره) تشکیل شده‌اند و هر کدام عملکرد خاصی دارند و بر طبق قوانین ناشناخته‌ای بر هم تأثیر می‌گذارند و در کل خانواده، محل کار، مدرسه، واحد همسایگی، شهر و یا حومه شهر، همه به‌عنوان یک مجموعه و کل بر هم تأثیر می‌گذارند و امنیت را باید در کل این مجموعه دید و در واقع امنیت به همه مربوط می‌شود و همه جوامع شامل اشخاص، گروه‌های ذی‌نفع و ذی‌نفوذ، آژانس‌ها و گروه‌های اجتماعی باید در فرآیند ارتقاء امنیت شرکت کنند و این شرط باید در همه مجموعه وجود داشته باشد.

فرآیند مبتنی بر سیستم "سه مرحله" دارد که در مرحله اول عیب‌شناسی امنیت است که بر پایه داده‌های کمی و کیفی و با استفاده از تعیین ضعف و قوت‌های هر سیستم صورت می‌گیرد و شرایطی که برای رسیدن به سطح بهینه امنیت نیاز است و مرحله دوم و سوم در جهت تشخیص علل و راه‌حل‌ها برای بهبود ضعف‌ها می‌باشد و اما به‌طور کلی برای نیل به امنیت؛ دولت، اشخاص، جوامع و دیگران باید شرط‌های ذیل را ابقاء کنند:

۱) ایجاد یک جو انسجام اجتماعی و صلح و ایجاد عدالت اجتماعی و رعایت حقوق

انسانی و آزادی در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی

۲) جلوگیری یا کنترل از تصادفات و دیگر صدمات

۳) احترام گذاشتن به ارزش‌های فیزیکی و روحی اشخاص

۴) مطمئن شدن از شرایط مؤثر پیش‌گیرنده و کنترل‌کننده برای تحقق شرط‌های پیشین (گزارش سازمان بهداشت جهانی، ۱۹۹۸، ص ۳۰۵).

۴) فاکتورهای شخصیتی مؤثر در احساس امنیت و ارتقاء آن با مشارکت شهروندان
مشخصه‌های فردی در ادراک از امنیت و میزان استفاده فرد از یک فضای شهری تأثیر دارند مثل موقعیت اجتماعی، شخصیت، نقش‌ها (سن و طبقه اجتماعی، پشتوانه‌ی خانوادگی، دانشجو بودن و یا کارگر بودن و ...) و این مسائل در تعیین راحتی این افراد نیز تأثیر دارد و هم‌چنین در درکی که از آسیب‌پذیری یک مکان دارند و البته با در نظر گرفتن و طبقه‌بندی افراد بر حسب گروه‌های فوق می‌توان بازده مشارکت اجتماعی شهروندان را در جهت نیل به اهداف ارتقاء امنیت بر حسب شرایط در فضاهای خاص شهری افزایش داد.

مثلاً زنان سالخورده‌تر حس امنیت کمتری نسبت به مردان هم سن خودشان دارند و از مسائلی مثل شلوغی‌های ناشی از فوتبال، اسکیت و موتور سواران و از خطر تصادف کردن، بسیار بیشتر از مردان هم‌سن خود می‌ترسند. عموماً عوامل زیادی برای عکس العمل نشان دادن مردم به ترس وجود دارند، اما برخی از این عوامل نقش بیشتری دارند. از جمله:
(۱) جنس، (۲) سن، (۳) تجربه‌های گذشته در مورد جرم، (۴) محیط و جغرافیا، (۵) قومیت و فرهنگ (۶) سایر متغیرها.

۴-۱) جنسیت

جنسیت به عنوان پیش‌بینی‌کننده‌ترین عامل ترس یافته شده است. نوع جنایت در مورد زنان و مردان متفاوت است و حس امنیت آنان نیز متفاوت اما عموماً زنان ترس بیشتری را احساس می‌کنند تا مردان، گرچه ممکن است کمتر از مردان قربانی شوند و به‌طور کلی مردان احساس مثبت‌تری در مورد امنیت محیط خودشان نسبت به زنان دارند. مثلاً هم مردان و هم زنان در تاریکی احساس ناامنی می‌کنند ولی درجه‌ی حس ناامنی در زنان بالاتر است. مثلاً در مورد وسایل نقلیه بیش از ۶۰ درصد زنان در تاریکی احساس ناامنی دارند و البته این بیشتر به ترس از آزارهای جنسی باز می‌گردد و در واقع نیز زنان ۱۰ برابر بیشتر از مردان ممکن است تحت آزار جنسی قرار بگیرند (گزارش کنفرانس لندن، ۲۰۰۳: ص ۵).

برخی از زنان خود نیز از این ترس که در طول روز با آن‌ها همراه است آگاه نیستند و احساس ناخوشایندی دارند. آن‌ها با این ترس به‌دنیا نیامده‌اند، اما برای آن‌ها همگانی و هنجار شده است که اگر برای مثال در شب بیرون بروند قربانی حمله خواهند شد. البته خانواده‌ها، هم‌نوعانشان و رسانه‌ها نیز بر این مسأله تأکید می‌کنند و این نوع ترس را زنده می‌کنند و زنان هم آن را قبول می‌کنند.

۴-۲) سن

سن هم فاکتور مهمی است اما نه به اندازه جنسیت، سالخوردگان بیشتر می‌ترسند زیرا از نظر فیزیکی و بعضاً اجتماعی دفاع لازم را در برابر خطر در خود احساس نمی‌کنند.

۴-۳) جغرافیا و محیط

مکانی که فرد در آن زندگی می‌کند هم در میزان حس ترس او اهمیت به‌سزایی دارد. مثلاً مردمی که در شهرها زندگی می‌کنند درجه‌ی ترس بیشتری نسبت به آن‌هایی که در روستاها زندگی می‌کنند دارند؛ زیرا تجربه جرم‌زدگی و یا اخبار مربوط به آن را بیشتر حس کرده‌اند. مثلاً نرخ جرم در شهرهای انگلستان در سال ۱۹۹۳، ۲۲۲ نفر در هر ۱۰۰۰ نفر و در روستاها ۱۳۳ نفر در هر ۱۰۰۰ نفر بوده است و در نحوه‌ی استفاده از فضاهای شهری نیز در شهرهای بزرگ در حدود ۶۰ درصد از تنها پیاده روی کردن در شب می‌ترسند در حالی که این رقم در شهرهای کوچک در حدود ۳۰ درصد می‌باشد.

و حتی درون یک شهر نیز تحقیقات نشان داده است که احساس امنیت از نقطه‌ای به نقطه‌ی دیگر متفاوت است. برای مثال در تحقیقاتی که بر روی ۷۲۰ زن و در مورد احساس امنیت در شهر مشهد انجام گرفت مشخص گردید که زنان مناطقی که از نظر اقتصادی محروم تر هستند، احساس امنیت کمتری نسبت به سایر مناطق شهری دارند (زنجانی زاده و اعزازی، ۱۳۸۵).

۴-۴) قومیت و فرهنگ

در ۱۹۹۴ در پی یک تحلیل جرم در بریتانیا متوجه شدند که ارتباطی بین میزان وقوع جرم و قومیت و نژاد وجود دارد. مثلاً در بریتانیا گروه‌های آسیایی بیشترین احساس ترس را داشتند و بعد از آن‌ها گروه‌های سیاه‌پوستان بودند و در نهایت خود سفید پوستان که نسبتاً احساس ترس کمتری داشتند.

۴-۵) متغیرهای دیگر

این متغیرها بیشتر شامل گروه‌های کم درآمد و سطوح پایین‌تر تحصیلی می‌شوند اما با مشاهداتی که بر گروه‌های بالا صورت گرفت مشخص گردید که ترس زنان و گروه‌های سالخورده با میزان جرمی که درمورد آن‌ها اتفاق می‌افتد تناسب ندارد (Howard, 1999: p.222).

۵- امنیت شهری

امنیت دارای معانی آرامش و آسایش و ایمنی است که یکی از رویکردهای جدید در شهرسازی را با عنوان شهری ایمن شکل می‌دهد. امنیت نوعی احساس آرامش و آسایش درونی قلمداد می‌شود که از مؤلفه‌های فعال محیط حاصل می‌شود و پس از ادراک ذهنی، گونه‌ای احساس در امان بودن را به وجود می‌آورد. احساس امنیت نیز از قرارگیری انسان در شرایط محیطی به مثابه‌ی نوعی ادراک روانی حاصل می‌شود که از یک ساختار شهری و فرهنگی خاص، با ساختار فرهنگی و اجتماعی دیگر متمایز می‌شود. بر این اساس شکل‌گیری احساس امنیت از لحاظ روان‌شناختی، وابسته به شرایط محیط شهری، کنش‌ها و حوادث آن از یک‌سو و

از سویی دیگر نوع برداشت و سطوح ادراکی در آن ساختار فرهنگی است و همین دو اصل آن را از شهری به شهری و از ملیتی تا ملیتی دیگر، متفاوت می‌کند.

نیازهای ایمنی بعد از نیازهای زیستی مهم‌ترین نیازهای انسانی به شمار می‌آیند که از لحاظ روان‌شناختی بیانگر نیاز انسان به آرامش درونی و آسایش روانی و پرهیز از آشفتگی و بی‌نظمی ساختاری حاکم بر جامعه است. بی‌نظمی ساختار اجتماعی نیز می‌تواند از گسترش ناامنی به وجود آید که به خشونت اجتماعی و یا خرده‌فرهنگ‌های هنجارستیز منتهی می‌شود. "دورکیم" عقیده دارد که جرم‌خیزی و ارتکاب جرایم در ساختار شهری، یک پدیده طبیعی و اجتماعی است و ریشه‌ی رفتارهای غیر عادی را در محیط اجتماعی شهر جستجو می‌کند و لذا علت را در میان کارکرد ساختارهای اجتماعی می‌یابد.

امنیت شهری نیز دارای ابعاد متمایزی است که از مفاهیم اجتماعی و فرهنگی، اقتصادی و سیاسی، مذهبی و دینی در ساختار شهری حاصل می‌شود. التفات به مقوله‌ی امنیت شهری از آن جهت اهمیتی مضاعف می‌یابد که با نگاهی به رشد شهرنشینی و افزایش جمعیت شهرنشین که اختلاط و درهم‌آمیزی بیشتر انسان‌ها را در ساختار شهر به همراه دارد، می‌توان این مقوله را در ارتباط با امنیت ملی و انسجام اجتماعی دانست.

علاوه بر این مرکز تحقیقات جرم‌شناسی و کرسون پاریس اشاره دارد که ۲۳ درصد جوانان مجرم در مناطق شهری با تراکم جمعیتی زیاد و برخوردار از مشکل مسکن، امکان ارتکاب جرم می‌یابند. و این همه می‌تواند یادآور این نکته باشد که ساختار شهری و مشکلات آن می‌تواند در میزان ارتکاب جرایم و به تبع آن کاهش میزان امنیت شهروندان تأثیر داشته باشد.

این گسترش بی‌رویه می‌تواند این نکته را یادآور شود که هر افزایش جمعیتی در ساختار شهری می‌تواند به کنش‌ها و واکنش‌های گوناگون در عرصه جمعی، تبدیل شود که در نهایت امکان کاهش میزان احساس امنیت از دیدگاه شهروندان در ابعاد اقتصادی، فرهنگی و حتی جانی و مذهبی را نیز در بر می‌گیرد. از سویی دیگر این امر را می‌رساند که می‌بایست برای تعداد بیشتری از ساختارهای شهری امنیت مورد بررسی قرار گیرد، چرا که امنیت به واسطه تهدیدها مورد چالش واقع می‌شود و این تهدیدها ناشی از این امر است که افراد در محیط اجتماعی به سر می‌برند و فشارهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی این محیط است که امنیت شهروندان را دچار نقصان می‌کند. این تهدیدها را می‌توان در قالب تهدیدهای فیزیکی مثل تعرض جانی، تهدیدهای اقتصادی مانند عدم دسترسی به شغل و تهدید نسبت به حقوق شهروندی یا تهدید جایگاه اجتماعی بیان کرد.

۶) ویژگی‌های یک فضای امن شهری (فضای قابل دفاع)

در ابتدا به تعریفی از فضاهای شهری به طور عام پرداخته می‌شود. فضای شهری، فضای خالی میان ساختمان‌ها نیست بلکه مفهومی است که محیط فیزیکی، افراد، رویدادها و هم‌چنین

روابط میان آنها را نیز در برمی‌گیرد (مدنی پور، ۱۳۷۹، ص ۱۲). این فضاها می‌توانند به صورت میدان، خیابان، پارک عمومی و یا حتی یک پله تجلی پیدا کنند.

فضاهای شهری از آنجا که فضاهائی برای زندگی و تفریح ایجاد می‌کنند وظایف مهمی دارند؛ تصویر برجسته شهر به این فضاها بستگی دارد، اگر تصویر این فضاها خشن، نفرت‌انگیز و یا یکنواخت باشد تأثیر نامطلوبی بر شهروندان خواهد گذاشت. فضاهای شهری وظایف مهم دیگری نیز بر عهده دارند که ایجاد زمینه مناسب برای ارتباطات و ملاقات از شناخته‌شده‌ترین آنهاست. همچنین فضاهای شهری سدی در برابر عوامل مزاحم صوتی و یا جوی محسوب می‌شوند. وظیفه ایجاد بستر مناسب برای تعاملات و اکنش‌های اجتماعی که مختص فضاهای شهری است تمام فعالیت‌های دیگر از قبیل عبور و مرور، تفریح و مبادلات اقتصادی را تحت الشعاع قرار می‌دهد.

گوردن کالن فضاهای شهری را به عنوان مهم‌ترین مکان برای نمایش دادن و اهمیت‌دادن به وقایع اجتماعی می‌داند. او معتقد است به این طریق، موضوع مورد نمایش از طریق بینندگان به اطلاع دیگران رسیده و زنده خواهد ماند. در گذشته‌ی تاریخی کشور ما نیز میدان‌ها به‌عنوان اصلی‌ترین نوع فضاهای شهری معمولاً عملکردهای مختلفی نظیر عملکردهای سیاسی، اجتماعی، مذهبی و ارتباطی داشته‌اند. به عنوان مثال‌هایی از این دست می‌توان از میدان توپخانه‌ی شیراز، میدان ارگ تهران و میدان نقش‌جهان اصفهان نام برد که علی‌رغم نقش‌های چندگانه‌ای که دارا بوده‌اند اما نهایتاً همه این نقش‌ها در خدمت نقشی برتر یعنی نقش اجتماعی میدان بوده‌اند.

و اما فضاهای امن شهری که برخی از این نوع فضا به فضای "قابل دفاع" یاد می‌کنند، در واقع فضاهایی هستند که اشخاص بیشتر در آن فعالیت می‌کنند و احساس امنیت بیشتری از آن درک می‌شود و کمتر به فعالیت‌های مجرمانه اجازه رخ دادن داده می‌شود. البته در این‌جا برای رعایت اختصار، از تشریح ویژگی‌های یک فضای شهری استاندارد صرف‌نظر شده و تنها به بیان مشخصه‌های یک فضای امن شهری بسنده گردیده است؛ بدیهی است که رعایت مؤلفه‌های ایجاد یک فضای شهری استاندارد بر ارتقا امنیت محیط اثر گذار خواهند بود. به‌طور کلی برخی از ویژگی‌های یک فضای امن شهری در ذیل آمده‌اند:

- در یک فضای امن و راحت مردم تمایل دارند که یکدیگر را ببینند و آن فضا قابلیت اجتماعی شدن خواهد داشت.
- اتصالات به پیرامون آن فضا (دسترسی‌ها) راحت‌تر صورت می‌گیرد.^۹
- آن فضا جذاب می‌شود و در اذهان باقی می‌ماند.
- در چنین فضایی عدالت برقرار می‌گردد و هیچ شهروندی هراسی از ورود و استفاده از یک فضای امن شهری نخواهد داشت.

- مکان خوبی برای انجام یکسری از فعالیت‌ها می‌شود و به عبارتی دیگر از رونق و حیات شهری بهره‌مند می‌گردد. در این مقوله، اداره‌های مربوط به تأمین امنیت از جمله پلیس نیز تایید کرده‌اند که تأمین امنیت یک مکان پر رونق برای آن‌ها بسیار راحت‌تر است تا یک مکان خالی از همان نوع.^{۱۰} به بیان دیگر می‌توان گفت اگر فضا-های موجود را به دو دسته فضاهای زیر سقفی و در هوای آزاد تقسیم کنیم، مشخصات کلی این فضاها به صورت ذیل خواهند بود:

فضاهای داخلی و به اصطلاح زیر سقفی‌ها، باید ویژگی‌هایی نظیر لزوم حفظ خلوت و خصوصی بودن و انزواء را داشته باشند و بر عکس فضاهای خارجی یا در هوای آزاد محلی برای میان‌کنش‌های اجتماعی، در معرض عموم قرار گرفتن و فضاهای قابل تجربه و به طور مساوی برای همه در جهت زندگی سالم هستند. فضاهای داخلی بیشتر شامل مکان‌های کار و سکونت و تفریح می‌شوند و فضاهای خارجی بیشتر در غالب میدان‌ها، پارک‌ها، بازارها و خیابان‌هایی که آن‌ها را به هم ربط می‌دهند هستند.

و البته همان‌طور که یک خانه و همه فضاهای داخلی آن پناهگاه امنی برای خانواده و مهمان‌های آن فراهم می‌کند، شهر و فضاهای آن هم باید ایمنی و اطمینان را به طور مشابه برای همه ساکنان و ناظران فراهم کند.^{۱۱}

۷) اثرات ترس از محیط‌های شهری

برخی از مکان‌ها بر پایه‌ی ترس ساخته شده‌اند، ترس از فعالیت‌های منفی، ترس از برخورد با مردم، ترس از عبور از خیابان‌ها، حتی ترس از آب و هوا و این ترس‌ها موجب قفل شدن ما در محیط می‌شود و ارتباط ما را با جهان پیرامون مان قطع می‌کند و یا محیط‌های عمومی را برای ما سخت و غیر جذاب می‌کند. وجود دیوارهای تیره و ساختمان‌های غول آسا که خارج از مقیاس هستند و خیابان‌هایی که وحشت آور هستند و به جای این‌که حس مکان را ایجاد کنند، بیشتر محلی برای عبور هستند.

۷-۱) عکس‌العمل‌های دفاعی شهروندان در نحوه‌ی استفاده از فضای شهری

عموماً مردم برای کاهش خطر قربانی شدن دو راه را در پیش می‌گیرند:

۱) رفتارهای کناره‌گیرانه و محدودکننده مثل اجتناب کردن از مکان‌های ناامن و یا با هم رفتن به این مکان‌ها و یا کمتر بیرون رفتن در مواقع غیر ضروری.

۲) رفتارهای محافظه‌کارانه مثل روش‌های دفاع شخصی.

۳) رفتارهای بیمه‌ای، با ایجاد این احساس که آن فرد هیچ چیز باارزشی ندارد که مورد خسارت واقع شود و بنابراین قربانی نخواهد شد و البته هیچ‌کدام از این عکس‌العمل‌ها نمی‌توانند ترس از جرم را کاهش بدهند (Mtani, Lubuva, ۲۰۰۴: p.۲۱).

در واقع ترس از جرم در یک جامعه به عنوان یک عامل نفاق و در واقع مشکلی بزرگ‌تر از خود جرم است. در مورد میزان استفاده‌ی عمومی از فضاهای شهری، عموماً مردم اغلب از جا-

هایی که احساس در معرض خطر بودن و آسیب دیدن و به طور کلی نا امن بودن دارند، دوری می کنند و به تدریج این محیطها متروک می شوند و اگرچه در ابتدا واقعاً نا امن نبوده اند اما حالا حقیقتاً به مکان هایی برای سوء استفاده و فعالیت های مجرمانه می شوند، عده ای از این گونه فضاها به عنوان " فضاهای بی دفاع " یاد می کنند و بنابراین ایجاد محیطی که مردم را جذب و تشویق به پیاده روی (بدون ترس و حس نا امنی) کند، در واقع شمار مردم ناظر را افزایش داده است و این نیروی مردمی برای امنیت خود مردم بسیار قوی عمل می کند و کیفیت زندگی در آن فضا را افزایش می دهد.^{۱۲}

۸) مشارکت و ارتقاء امنیت فضای عمومی شهری

به طور کلی باید تدابیر لازم اتخاذ گردد تا مردم را هر چه بیشتر در برنامه ریزی و طراحی فضاهای عمومی شهری مشارکت داد تا حس ترس و نا امنی آنها از فضاهای شهری از بین برود و تجارب نشان داده است که مردم از تاجران تا ساکنان، ایده های بسیار خلاقانه ای برای برنامه ها و فعالیتها در فضاهای عمومی دارند و فقط کافی است تا آنها بتوانند صدایشان را به گوش طراحان و برنامه ریزان برسانند.

مشارکت اجتماعی در مسأله ارتقاء امنیت نیاز به وجود فاکتورهای حیاتی ذیل دارد:

- وجود یک کمیته ی چند بخشی مسئول جهت ارتقاء امنیت.
- اجرای یک برنامه ی جامع که همه دوره های زمانی و محیط ها و موقعیت ها را بپوشاند و این برنامه باید بلند مدت باشد و نه کوتاه مدت.
- مشارکت فعال شبکه محلی و اولویت دادن به فعالیتها بر اساس آن چه که جامعه ی محلی احساس می کند، اهمیت بیشتری دارد.
- توجه ویژه به گروه های پر خطر و محیط های پرخطر.
- استفاده از دسته وسیعی از تکنیکها برای بسیج مردم، نماینده ها و تصمیم گیرندگان آنها.

به علاوه همان طور که ذکر گردید یک فضای امن شهری، باید قابلیت اجتماع پذیری و مشارکت پذیری داشته باشد و به عبارتی مردم باید تشویق شوند تا در فعالیت های اجتماعی فضا نظیر پیاده روی، نشستن و صحبت کردن، نگاه کردن به اطراف و لذت بردن از فضا با سایر شهروندان مشارکت داشته باشند و از این طریق خود پلیس خود باشند. این مفهوم همان نظارت طبیعی^{۱۳} است که سایر ابزارها و نیروهای کنترل کننده ی امنیت محیط قادر به برقراری چنین کنترل نا محسوس و کارایی در یک فضای عمومی شهری نخواهند بود.

البته این کار باید با دقت و ظرافت بسیار صورت گیرد تا نتیجه معکوس در پی نداشته باشد. همان طور که آقای محمد رحیم رهنما نیز در گفتگوی خود با مجله شهرداری ها اشاره کرده اند: "بی نظمی محیط از عوامل جرمزا در شهر هاست، به این معنی که در محیط کالبدی

شهر، روابط قاعده‌مندی وجود نداشته باشد و وقتی در مکانی ازدحام جمعیت بلا تکلیف وجود دارد، خود یکی از عوامل ایجاد حس نا امنی است.^{۱۴} و ادینبرو^{۱۵} در مورد حس امنیت زنان در فضاهای شهری انجام گرفت، نیز مشخص گردید که ترس و احساس نا امنی ممکن است در دو محیط متضاد "فضاهای خالی" و "فضاهای شلوغ" و یا در فضاهای باز و فضاهای بسته، اتفاق بیافتد. بنابراین در سنجش این دو متغیر نمی‌توان به یک خط مشی واضح دست یافت و در نتیجه کنترل روابط حاکم بین جمعیت استفاده‌کننده از یک محیط شهری و امنیت آن مکان بسیار پیچیده خواهد بود.

۹) بررسی تجربه‌ای در زمینه ارتقاء امنیت در شهر ناتینگهام

ناتینگهام^{۱۶} یک شهر بزرگ قبل از انقلاب صنعتی است که به سرعت در اواسط سال‌های قرن ۱۹ رشد کرده است و تا قرن بیستم یک مرکز صنعتی شد. در دوره جنگ جهانی اول، مرکز آن یک مرکز خرید عمده بود که در حدود ۱.۷ میلیون فوت مربع از سطح آن را شبکه خرده‌فروشی تشکیل می‌داد و شامل ۱۱۵۰ واحد خرده‌فروشی از بزرگ‌ترین زنجیره مغازه‌های چندگانه لندن و چهارمین مرکز خرده‌فروشی انگلستان بود.

این مرکز خرید شامل دو قطب خرید بزرگ بود که بین آن‌ها خیابان و مسیر پیاده وجود داشت و کلاً اقتصاد خرده‌فروشی در محور شمالی - جنوبی و اقتصاد فراغتی در محور شرقی - غربی مرکز قرار گرفته بود اما ناتینگهام جمعیت اداری عمده‌ای هم دارد و کلاً جمعیت مهاجر زیادی دارد و از حدود ۵۵۰۰۰ مردمی که در مرکز شهر کار می‌کنند، نزدیک به ۴۰۰۰ نفر واقعاً در مرکز شهر زندگی می‌کنند.

البته این به دلیل موقعیت ترانزیتی و رفت و آمد در ناتینگهام هم هست که قابلیت رانندگی مناسب تا مرکز شهر و مدیریت سواره این مکان را به یک گزینه‌ی جذاب برای مرکز شهر ناتینگهام تبدیل کرده است. از ضعف‌های مرکز شهر ناتینگهام می‌توان به مغازه‌های عرضه‌کننده‌ی غذا که در سطح پایینی هستند، تجمع و تراکم، در مواردی دسترسی‌های ضعیف، کمبود پارکینگ‌های ماشین و کیفیت پایین پیاده رو و سطوح مرکز خرید اشاره کرد.

اگرچه مرکز شهر با ۱۲ پارکینگ طبقاتی در داخل یا اطراف مرکز رفع نیاز می‌کند، اما هنوز یک باور عمومی قدرتمند در مردم وجود دارد که پارک کردن در نزدیک مرکز شهر بسیار دشوار است. و شورای شهر این نیاز مهم مردم را چه در مورد ارائه کیفیت بهتر خدمات پارکینگ به مردم و چه در مورد ارتقاء باور عمومی پیرامون آسانی و امنیت پارکینگ، دریافت. برای جوانان، مرکز شهر بیشتر مناسب حال و مردم پسند بود زیرا زندگی شبانه در آن جریان داشت. وجود کلوپ‌های شبانه به تدریج باعث تسلط جوانان بر مرکز شهر از عصر به بعد می‌شد و در نتیجه دیگر مرکز شهر برای دیگران جذاب نبود.

۹-۱) ناتینگهام فاز اول ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۶

در این پروژه، اولویت اول بهبود دادن امنیت در "ورودی‌های" ناتینگهام بود (مثل ایستگاه های اتوبوس و پارکینگ ها). اولویت دوم درگیری با تخلف‌ها (مخصوصاً تخلفات مربوط به معتادین در مرکز شهر) به همراه آموزش به جوانان بود و ۵ اصل برای طراحی و مدیریت خوب در جهت نیل به امنیت در مرکز شهر مطرح شد:

۱) طراحی برای پیاده‌ها که در نور خوب و مسیرهای تردد عریض و با الگوهای حرکتی فکر شده تردد کنند.

۲) توجه به امنیت مردم و دارایی‌های آن‌ها (مثل خودروها و خریدهای آن‌ها) در حالت منسجم به جای جداسازی و تفکیک.

۳) استفاده از فرصت‌ها برای ارتقاء مراقبت طبیعی.

۴) اطمینان از دوام خوب که به علت‌های اهمال و یا علل مجرمانه (وندالیسم) در خطر تباهی نباشند.

۵) اطمینان پیدا کردن از این‌که راه حلی که برای یک مشکل پیشنهاد شده، یک مشکل دیگر درست نمی‌کند.

نتیجه کلی این گزارش‌ها این است که ناامنی‌ها "حقیقت اجتناب‌ناپذیر زندگی در شهرها" هستند که به‌زور و سر زده وارد زندگی مردم می‌شوند و منابع عمومی و خصوصی را می‌خورند و اثرات مضر روی جذب مشاغل جدید و سرمایه‌گذاری‌های داخلی دارند و به رسمیت شناختن شهر را به عنوان "یک مرکز خرده‌فروشی عمده" در رقابت در برابر مراکز حومه‌ای‌تر و جدیدتر شهر، تهدید می‌کنند.

۱۰) جمع بندی

امنیت یکی از نیازهای ضروری و وجودی انسان است، درست شبیه نیازهای فیزیولوژیک انسان و این فاکتور بر سلامت و سعادت انسان‌ها بستگی مستقیمی دارد و اما امنیت فرآیند بسیار پیچیده‌ای است و ارتقای آن نیز نیازمند تدابیر بسیار خواهد بود. به‌طور کلی دو بعد برای امنیت وجود دارد: یکی بعد عینی آن است که با پارامترهای عینی محیطی و رفتاری ارزیابی می‌شود و دیگری بعد ذهنی است که بر اساس احساس امنیت از جمع درک می‌شود. هر دو بعد می‌توانند بر یکدیگر تأثیر مثبت و یا منفی بگذارند.

پیرامون مسأله ارتقاء امنیت، می‌توان به‌طور کلی تغییرات رفتاری که امنیت را بهبود می‌دهد و موجب تغییراتی در بهبود امنیت محیط می‌شود و بالعکس و هر دو نوع مداخله لازمند تا ارتقاء امنیت حاصل گردد.

در هر جامعه اقلماً دو نوع از فرآیند می‌تواند برای ارتقاء امنیت استفاده شود: ۱) فرآیند مبتنی بر مسأله و ۲) فرآیند مبتنی بر مجموعه و این دو فرآیند اگرچه کاملاً مجزا هستند اما مکمل و ضروری یکدیگرند.

هم‌چنین از مؤلفه‌های تأثیرگذار دیگر بر فرآیند ارتقاء امنیت، می‌توان به مشخصه‌های فردی در ادراک از امنیت و میزان استفاده فرد از یک فضای شهری مثل موقعیت اجتماعی، شخصیت، نقش‌ها و ... که در یک رویکرد مشارکتی ارتقاء امنیت باید مد نظر قرار گیرند، اشاره نمود. لزوم تأکید بر مسأله ارتقاء امنیت فضاهای شهری هنگامی آشکار می‌گردد که رفتارهای پیشگیرانه و محافظه‌کارانه شهروندان در مواجهه با فضاهای ناامن شهری و نتایج منفی حاصل از آن را مورد بررسی قرار دهیم.

و اما به‌طور کلی باید تدابیر لازم اتخاذ گردد تا مردم را هر چه بیشتر در برنامه‌ریزی و طراحی فضاهای عمومی شهری مشارکت داد تا حس ترس و ناامنی آن‌ها از فضاهای شهری از بین برود و تجارب نشان داده‌اند که مردم از تاجران تا ساکنان، ایده‌های بسیار خلاقانه‌ای برای برنامه‌ها و فعالیت‌ها در فضاهای عمومی دارند و فقط کافی است تا آن‌ها بتوانند صدایشان را به گوش طراحان و برنامه‌ریزان برسانند.

منابع و مآخذ

- باقریان، اکبر (۱۳۸۰)؛ "علل افزایش جرایم و ناهنجاری‌های روانی اجتماعی در کلانشهر تهران"، سازمان فرهنگی‌هنری شهرداری تهران، دفتر مطالعات و پژوهش‌های راهبردی.
- زنجانی زاده، هما و اعزازی، شهلا (۱۳۸۵)؛ "زنان و امنیت شهری"، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره سوم و چهارم،
- عینی، اکرم (۱۳۸۴)، "مفهوم نیاز اطلاعاتی از دیدگاه پیشگامان علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی"، فصلنامه علوم اطلاع‌رسانی، دوره ۲۰، شماره ۳ و ۴.
- مدنی پور، علی (۱۳۷۹)؛ "طراحی فضای شهری، نگرشی به فرآیندی اجتماعی و مکانی"، ترجمه فرهاد مرتضایی، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- وزارت جهاد کشاورزی و یونیسیف (۱۳۷۶)؛ "مجموعه مقالات سمینار تواناسازی دختران جوان روستایی در مشارکت‌های اجتماعی".
- برن آگ و نیم‌کوف (۱۳۵۶)؛ "زمینه جامعه‌شناسی"، ترجمه امیرحسین آریان‌پور، تهران، شرکت سهامی کتاب‌های حبیبی.

- Safety and Safety Promotion : Conceptual and Operational Aspects, Available at: www.phs.ki.se
- Making Safer Places, Women's Safety in our Cities, National Conference, 18th November 2005, Conference Report, Available at: www.womeninlondon.org.uk
- safety and security in public space, Available at: www.pps.com
- Boyle, Julie; Findlay, Catherine; Forsyth, Leslie (۲۰۰۴) "An Investigation into Women's Perceptions of Fear and the Design of the

Urban, Environment”, Halcrow Group Limited, open space, Edinburgh College of Art, School of Architecture, Edinburgh College of Art, Available at:

www.openspace.eca.ac.uk/conference/proceedings

- Brady, Martha(۲۰۰۵) **“Safe Spaces for Adolescent Girls”**, Population Council, Available at: www.popcouncil.org
- “Making Safer Places, Women’s Safety in our Cities”, National Conference, Conference Report, London, 18th November 2005.
- M. Lubuva, John and Anna Mtani (2004) : “Urban Space and Security: A Case of the Dar es Salaam “ ,Safety Audits for Women, Dar es Salaam, Tanzania, 13-17.
- Safety and Safety Promotion: Conceptual and Operational Aspects, Available at: www.phs.ki.se/csp/pdf/Books
- Koskela, Hille; Geoforum, Rachel Pain(2000)**“Revisiting fear and place: women's fear of attack and the built environment”**, Available at:

www.siencedirect.com

یاداشتها

¹ Maslow

² Horton's

³ safety

⁵ objective

⁶ subjective

⁷ problem- oriented process

⁸ Setting- oriented process

⁹ sociability

^۴ برای مطالعه بیشتر رجوع شود به سایت: www.phs.ki.se

^{۱۰} برای مطالعه بیشتر رجوع شود به سایت: www.pps.org

^{۱۱} برای مطالعه بیشتر رجوع شود به سایت: www.dacorum.gov.uk,2004

^{۱۲} برای مطالعه بیشتر رجوع شود به سایت: www.dacorum.gov.uk,2004

¹³ natural surveillance

¹⁴ Helsinki

¹⁵ Edinburgh

¹⁶ Nottingham